

اثربخشی بازی با کلمات احساسی بر مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان
مبتلا به ناتوانی یادگیری

The Effectiveness of Play with feeling Words on Social Skills
of Students with Learning Disabilities

Bitā Shalāni

Mostafa Ansari

Akram Abbariki

بی‌تا شالانی*

مصطفی انصاری**

اکرم آباریکی***

چکیده

Abstract

Specific learning disorder is delay or failure in the ability to learn basic academic skills according to age, education and intelligence. One of the problems of people with learning disabilities is social skills issues. The aim of this study is the effectiveness of play with feeling words on social skills of students with learning disabilities. This study is quasi-experimental with pre-post test. The statistical population included all students of second to sixth grade of schools in Kermanshah with learning disorders from which 24 people were selected randomly and divided in two experimental and control groups. The research instrument was Matson social skills questionnaire. The experimental group played with feeling words for eight sessions (each session 30-minute) and twice a week. The results of covariance analysis indicated that play with feeling words caused improvement in these children's social skills ($P < 0/001$). The results of this study showed that play with feeling words can help as one of the appropriate methods to improve social skills to help students with learning disorders. This type of play therapy helps individuals in the proper expression of emotions, cognition and using them properly in communicating with people and peers.

Keywords: Play with feeling words, Play therapy, Social skills, Students, Learning disabilities

ناتوانی یادگیری، تأخیر یا نقص در توانایی فراگیری مهارت‌های تحصیلی اساسی یا توجه به سن، آموزش و مقیاس هوش می‌باشد. یکی از مشکلات افراد دارای ناتوانی یادگیری، مسائل مربوط به مهارت‌های اجتماعی است. هدف پژوهش حاضر اثربخشی بازی با کلمات احساسی بر مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان مبتلا به ناتوانی یادگیری می‌باشد. پژوهش حاضر نیمه‌تجربی با طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون است. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان دختر پایه دوم تا ششم دارای ناتوانی یادگیری شهر کرمانشاه بود که نمونه‌ای به حجم ۲۴ نفر به صورت تصادفی انتخاب، و به دو گروه آزمایش و کنترل گمارده شدند. ابزار پژوهش پرسشنامه مهارت اجتماعی ماتسون (۱۹۸۳) بود. گروه آزمایش به مدت ۸ جلسه (هر جلسه ۳۰ دقیقه)، و دو بار در هفته به بازی کلمات احساسی پرداختند. نتایج تحلیل کوواریانس نشان داد بازی با کلمات احساسی موجب بهبود مهارت‌های اجتماعی این کودکان شده است ($P < 0/001$). نتایج پژوهش حاضر نشان داد بازی با کلمات احساسی می‌تواند به عنوان یکی از روش‌های مناسب در کمک به دانش‌آموزان دارای اختلال یادگیری جهت بهبود مهارت‌های اجتماعی کمک کند. این نوع از بازی‌درمانی به افراد در ابراز مناسب هیجان‌ها، شناخت و همچنین کاربرد آن‌ها به شکلی مناسب در ارتباط با افراد و همسالان یاری می‌رساند.

واژه‌های کلیدی: بازی با کلمات احساسی، بازی درمانی، مهارت‌های اجتماعی، دانش‌آموزان، ناتوانی یادگیری

* دانشجوی دکتری تخصصی روانشناسی،

دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس

** دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشکده تحصیلات تکمیلی، دانشگاه آزاد بوشهر

*** نویسنده مسئول: کارشناس ارشد روانشناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی

Email: Abbariki.akram@gmail.com

Received: 19 Nov 2017 Accepted: 17 Feb 2018

پذیرش: ۹۶/۱۱/۲۸

دریافت: ۹۶/۸/۲۸

مقدمه

اختلال یادگیری^۱، تأخیر یا نقص در توانایی فراگیری مهارت‌های تحصیلی اساسی با توجه به سن، آموزش و مقیاس هوش می‌باشد که در DSM5 جزء طبقه اختلالات عصبی رشدی قرار گرفته، و در آن‌ها تحول بهنجار مغز و دستگاه عصبی مرکزی مختل شده است (انجمن روانپزشکی آمریکا، ۲۰۱۳). افراد مبتلا به این اختلال در زمینه‌هایی چون حافظه، توجه، تنظیم اطلاعات، ادراک شنیداری و دیداری نقص داشته و ضعیف عمل می‌کنند (گنجی، ۱۳۹۲). درصد کودکان مبتلا به ناتوانی یادگیری در سال‌های اخیر افزایش یافته (وکیلی، افضلی و سلیمانی، ۱۳۹۴) و بسیاری از آن‌ها با مشکلاتی چون عزت نفس پایین، اضطراب مدرسه، افسردگی، اختلالات روان‌تنی، رفتار ضداجتماعی، اختلالات کمبود توجه و بیش‌فعالی دست و پنجه نرم می‌کنند (شارلت و ماهلر، ۲۰۱۶). یکی از مشکلات افراد دارای اختلال یادگیری، مسائل مربوط به مهارت‌های اجتماعی است. مهارت‌های اجتماعی، مجموعه‌ای پیچیده از مهارت‌ها مانند همکاری، مشارکت با دیگران، کمک کردن، آغازگر رابطه بودن، کمک خواستن، تعریف و تمجید از دیگران و تشکر و قدردانی کردن می‌باشند که برای سازگاری و کنار آمدن با موقعیت‌های شارژا حیاتی بوده، روابط سالم را پرورش داده و عملکرد کلی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (نلسون ۲۰۰۹). به عقیده ویگوتسکی (۱۹۷۸) و بندورا (۱۹۷۱) تعامل اجتماعی یک فن و منبع غیرقابل اجتناب از رشد روانی کودکان است. کودکان در تعامل با دیگران یاد می‌گیرند که چگونه رفتار و قضاوت کنند (خرازی و دلگشایی، ۲۰۱۰). پژوهش‌ها نشان داده‌اند دانش‌آموزان دارای اختلال یادگیری سطح بالایی از مشکلات اجتماعی _هیجانی، نقایص پردازش اطلاعات اجتماعی (تور_کاسپا و بریان، ۱۹۹۴)، و نقص جدی در مهارت‌های اجتماعی را در مقایسه با دانش‌آموزان بهنجار نشان می‌دهند (گرشام و الیوت، ۱۹۹۹؛ آرباچ، گراس-سور، مانور و شالو، ۲۰۰۸؛ سیدریدیس، ۲۰۰۷؛ آگالیوتیس و کالیوا ۲۰۰۸؛ سلیمانی، زاهدیابالان، فرزانه، و ستوده، ۱۳۹۰؛ کافی، زینعلی، خسروجاوید، و میاه‌نهری، ۱۳۹۱)، کمتر محبوب و بیشتر طرد شده‌اند (واینر و اشنایدر ۲۰۰۲)، و مهارت‌های بین-فردی ضعیف‌تری دارند (وینر، ۲۰۰۴). کشمیری (۱۳۸۸) در پژوهش خود نشان داد در رفتارهای غیراجتماعی و تکانشی/پرخاشگری در کودکان دارای ناتوانی یادگیری و عادی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. حواس‌پرتی، واکنش ضعیف به محرک‌ها، سازماندهی رفتاری نامناسب، و هماهنگی کم بین حواس مختلف می‌تواند به طور مستقیم و یا غیرمستقیم مهارت‌های اجتماعی را در این کودکان تحت تأثیر قرار دهد (نبی‌دوست، برجعلی، و استکی، ۱۳۹۴). بیش از ۹۰ درصد این کودکان در برقراری ارتباط مشکل دارند (مریفیلد، ۲۰۱۰). مشکلاتی که این نوجوانان در

^۱ learning disabilities

زمینه تعاملات اجتماعی با آن‌ها مواجه‌اند به کمبود مهارت آن‌ها در زمینه شروع و تداوم مهارت‌های اجتماعی مثبت با می‌گردد. فرد مبتلا به ناتوانی یادگیری در گوش دادن و سخن گفتن هنگام ارتباط با دیگران دچار مشکلاتی است و ممکن است از نظر روابط اجتماعی با مسائلی مواجه شود (بومینگر، ادلشتین و موراش، ۲۰۰۵؛ ولش و بیرمن، ۲۰۰۸). مهارت‌های اجتماعی کودکان سهم عمده‌ای در رسیدن فرد به سایر مهارت‌ها و توانمندی‌ها داشته و در موفقیت‌های تحصیلی و سازش یافتگی بعدی آن‌ها نقش بسیار مهمی دارد (اصغری، ۱۳۹۴؛ گیلیام و شاهر، ۲۰۰۶).

بازی یکی از روش‌هایی است که می‌توان از طریق آن مهارت‌های اجتماعی را به کودکان آموزش داد و آن را بهبود بخشید (سارتین، ۲۰۰۹). در بازی درمانی ارتباط بهنجار کودکان پایه‌ریزی شده (آذرنیوشان، به‌پژوه، و غباری-بناب، ۱۳۹۱) و به وسیله آن، ابراز طبیعی بیان حالات کودک ممکن می‌شود. بازی راهی طبیعی برای عقاید و احساسات و نیز کشف و شناخت دنیای پیرامون کودکان محسوب می‌شود. بازی همچنین به ایجاد روابط اجتماعی بین فردی کودکان کمک می‌کند. بدین ترتیب در حمایت از رشد همه‌جانبه کودکان نقش موثر و ارزشمندی دارد (رسولی، ۱۳۷۹؛ به نقل از برزگر، ۱۳۹۲). یکی از انواع بازی درمانی، بازی با کلمات احساسی^۱ می‌باشد که به دو صورت فردی و گروهی قابل اجرا است. بازی با کلمات احساسی توسط کُرُن سال ۲۰۰۰ مطرح شد و بر آموزش گسترده‌ای از کلمات برای توصیف و تشویق به بیان آزادانه احساسات تمرکز دارد. هدف این است که کودک احساسات خود را در محیط‌های مختلف، موقعیت‌ها و شرایط مختلف و در برخورد با افراد مختلف شناسایی و بیان کند. کودکان عمدتاً قادر به ابراز احساسات خود در قالب کلام نیستند که این امر می‌تواند به دلیل پایین بودن سطح تفکر انتزاعی و ترس از ابراز مستقیم احساسات باشد (سهرابی‌شگفتی، ۱۳۹۰). بازی با کلمات احساسی موجب کاهش وقفه در صحبت کردن شده و کلمات رسا را می‌آموزد، بیان آزاد احساسات را تشویق کرده و با ایجاد مهارت شناسایی و بیان در قالب بازی، فرآیند یادگیری در یک تجربه لذت‌بخش را فراهم می‌کند. این نوع از بازی زمینه به اشتراک گذاشتن احساسات را فراهم می‌کند، همچنین تکلیف و مواد آموزشی از طریق این بازی، سرگرم‌کننده می‌شود (کرون، ۱۹۹۸، به نقل از عزیزی، ۱۳۹۳). بیان کلمات احساسی به روش‌های مختلفی از جمله نمودارهای احساسی، شطرنج‌های احساس، کارت صورتک‌های احساسی، و گرداننده احساس می‌تواند انجام شود (هال، کداسن، و شفر، ۲۰۰۲). از فواید این تکنیک درمانی علاوه بر کمک به کودک برای بیان و ابراز احساسات، کمک به درمانگر در تشخیص مشکل کودک می‌باشد. به این صورت که کودک در کدام شرایط و موقعیت‌ها و در برخورد با چه افرادی تجربه‌های احساسی خوشایند و در چه شرایطی تجربه‌های ناخوشایندی داشته است (سهرابی-

^۱ feeling word game

شگفتی، ۱۳۹۰). بازی با کلمات احساسی با استفاده از فنون عاطفی و شناخت هیجان‌ها می‌تواند در ارتقای مهارت‌های اجتماعی روش مناسبی باشد. پژوهش‌های مختلف تأثیر بازی‌درمانی را در بهبود مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی نشان داده‌اند. اصغری‌نکاح، افروز، بازرگان و شکوهی‌یکتا (۱۳۹۰) در مطالعه‌ی خود تأثیر مداخله بازی‌درمانی عروسی را بر مهارت‌های ارتباطی کودکان درخودمانده به عنوان روشی مؤثر نشان دادند. رشیدی‌ظفر، جان‌بزرگی و شقاقی (۱۳۹۰) در پژوهش خود با عنوان اثربخشی بازی‌درمان‌گری بر ارتقای رفتار اجتماعی مثبت کودکان پیش‌دبستانی نشان دادند، بازی‌درمان‌گری در مرحله پس‌آزمون باعث افزایش معنادار رفتار اجتماعی مثبت و خرده‌مقیاس‌های همدلی، جهت‌گیری اجتماعی، رفتار اخلاقی، خودمهارگری، حرمت خود، اطاعت‌پذیری، جرأت‌ورزی، احترام به قانون و تمایل به مشارکت در گروه آزمایش شد. قرائی و فتح‌آبادی (۱۳۹۲) در پژوهشی به بررسی اثربخشی بازی‌درمانی عروسی بر ارتقای مهارت‌های اجتماعی کودکان پیش‌دبستانی دچار نشانگان داون پرداخته و نشان دادند روش بازی‌درمانی عروسی شیوه‌ای مناسب جهت ارتقای کیفیت مهارت‌های اجتماعی کودکان دچار نشانگان داون در محیط‌های آموزشی می‌باشد. لگوف و شرمن (۲۰۰۶) نیز تأثیر بازی‌درمانی عروسی را بر بهبود مهارت‌های اجتماعی بررسی کرده و نشان دادند کودک می‌تواند نحوه صحیح برقراری تعاملات اجتماعی را از طریق بازی‌های دسته جمعی، نمایشی و ... بیاموزد. عزیزی (۱۳۹۳) در پژوهش خود نشان داد بازی با کلمات احساسی موجب کاهش اضطراب کودکان دبستانی شده است. نحوه تخلیه صحیح احساسات، بیان موارد اضطراب‌زا و بیان خشم بدون آسیب رساندن به خود و دیگران، مانع از بروز مشکلات بعدی می‌شود. یعنی هم جنبه آموزشی و هم جنبه درمانی دارد. علاوه بر این، بنا به نظر بسیاری از روانشناسان، قسمت اعظم شخصیت انسان‌ها در دوران کودکی و در محیط خانواده شکل می‌گیرد. استفاده از بازی، گذشته از این که به کودکان کمک می‌کند دوران کودکی لذت‌بخشی داشته باشند، به خانواده‌ها نیز آموزش می‌دهد تا گذر از این مرحله را برای کودک آسان سازند (قدرتی و شفیع‌آبادی، ۱۳۸۹). هر چند برای کسب بهترین پیامدهای ممکن، افراد به مهارت‌های خاصی در حوزه‌هایی مانند ریاضیات، سوادآموزی و زندگی مستقل نیاز دارند، اما این مهارت‌ها پیامدهای موفقیت‌آمیزی را در صورت فقدان مهارت‌های اجتماعی مناسب تضمین نمی‌کنند. مهارت‌های اجتماعی مناسب کودکان و نوجوانان را قادر می‌سازند تا روابط مثبت و قوی با همسالان داشته باشند (شلانی و صادقی، ۱۳۹۵)، و از تداوم رفتارهای نامطلوب اجتماعی می‌کاهد (کوت، زوکولیلو، ترمیلای، ناگین و ویتارو، ۲۰۰۱). همچنین با توجه به نقش بسیار مهم مهارت‌های اجتماعی در زندگی و مشکلاتی مانند افسردگی، اضطراب اجتماعی، تنهایی، و اعتیاد به الکل که در نتیجه مهارت اجتماعی ضعیف ایجاد می‌شوند (تسانگ و لاک، ۲۰۰۸)، بررسی روش‌های درمانی مختلف در ارتقاء مهارت‌های اجتماعی ضروری می‌نماید. بنابراین، پژوهش حاضر در نظر دارد به بررسی اثربخشی بازی با کلمات احساسی بر مهارت‌های اجتماعی کودکان با ناتوانی یادگیری بپردازد.

روش

پژوهش حاضر از نوع نیمه‌تجربی با طرح پیش‌آزمون_ پس‌آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان دختر پایه دوم تا ششم مراکز اختلالات یادگیری شهر کرمانشاه بود که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای از میان ۴ مرکز اختلال یادگیری دو مرکز انتخاب و از میان دانش‌آموزان مراجعه‌کننده، نمونه‌ای به حجم ۲۴ نفر که شرایط ورود به پژوهش را داشتند انتخاب، و به دو گروه آزمایش و کنترل گمارده شدند. پس از اعلام رضایت والدین و دانش‌آموزان، گروه آزمایش تحت مداخله قرار گرفت و طی این مدت گروه کنترل مداخله‌ای دریافت نکرد. پس از مداخله، برای هر دو گروه پس‌آزمون به عمل آمد. معیارهای ورود شامل حضور کودک در مدرسه اختلال یادگیری، دامنه سنی ۸ تا ۱۳ سال، رضایت والد، کودک و معلم، و نمره پایین در مقیاس مهارت‌های اجتماعی و معیارهای خروج شامل دریافت برنامه درمانی همزمان دیگر و وجود اختلال دیگری به غیر از اختلال یادگیری بود. ابزار پژوهش پرسشنامه مهارت‌های اجتماعی ماتسون (۱۹۸۳) بود. این پرسشنامه شامل ۵۵ سؤال است که مهارت‌های اجتماعی کودکان ۴ تا ۱۸ ساله را می‌سنجد. پاسخگویی به آن بر اساس شاخص پنج درجه‌ای لیکرت (نمره ۱ برای هرگز و نمره ۵ برای همیشه) می‌باشد. برای بررسی پایایی مقیاس مهارت‌های اجتماعی، از ضریب آلفای کرونباخ و دونیمه سازی استفاده شده است. مقدار ضریب آلفای کرونباخ و تنصیف برای کل مقیاس یکسان و برابر ۰/۸۶. به دست آمده است. همچنین برای تعیین روایی سازه آزمون از روش تحلیل عاملی با استفاده از مؤلفه‌های اصلی استفاده شده که مقدار ضریب پایایی kmo برابر با ۰/۸۶ بود (یوسفی و خیر، ۱۳۸۲). پایایی پرسشنامه مهارت‌های اجتماعی در پژوهش حاضر با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۷۶ می‌باشد.

برنامه مداخله

در پژوهش حاضر از روش بازی با کلمات احساسی استفاده شده است. بازی با کلمات احساسی که توسط کُرن سال ۲۰۰۰ مطرح شده است، بر آموزش گستره‌ای از کلمات برای توصیف و تشویق به بیان آزادانه احساسات تمرکز دارد. مطابق با مدل‌های شناختی_ اجتماعی (ولز، ۲۰۰۵) و نظریه‌های روانشناسی اجتماعی هیجان (لیننبرینک ۲۰۰۶)، با شکل دادن مهارت‌های شناسایی و بیان احساسات در قالب بازی، بازی کلمات احساسی به شکل گروهی امکانی برای یادگیری فرآیندهای احساسی در تجربیات لذت‌بخش است. در این بازی، بدون تلاش آگاهانه با توصیف داستان‌ها شرکت‌کنندگان خودآشناگری می‌کنند. در واقع زیربنای نظری این بازی این است که کمک به افراد برای شناسایی و خودآگاهی نسبت به هیجان، سپس شناسایی و توصیف صحیح آن هیجان و در نهایت فراهم کردن فضایی امن برای بیان آن یکی از ضروری‌ترین مولفه‌های سلامت روان است (کُرن، ۲۰۰۰). گروه آزمایش به مدت ۸ جلسه ۳۰ دقیقه‌ای و دو بار در هفته به شکل گروهی در یکی از کلاس‌های مدرسه اختلالات یادگیری به بازی با کلمات احساسی پرداخت که خلاصه آن در جدول ۱ ارائه شده است. با توجه به این

که در این بازی هیجان‌های اصلی که هیجان‌هایی فراگیر هستند، به کار گرفته شده، و همچنین هدف این بازی شناسایی درست این هیجان‌ها می‌باشد، این بازی نیازی به بومی شدن نداشته و در فرهنگ‌های مختلف می‌تواند مورد استفاده قرار بگیرد. ابزار مورد نیاز در این بازی شامل کارت‌های ۱۵ در ۲۵ رنگی، ماژیک، و ژتون شامل تعدادی سکه یا شیء کوچک می‌باشد.

شیوه اجرای بازی: درمانگر ابتدا بازی را برای کودکان توضیح داده و می‌گوید "من از شما می‌خوام به من بگید بچه‌های همسن شما چه احساس‌هایی می‌تونن داشته باشن، مثلا خوشحال باشن، غمگین باشن و ...، حالا تو می‌تونی بقیه احساس‌هایی که یه بچه می‌تونه داشته باشه به من بگی". درمانگر همزمان با بیان احساسات از طرف کودک شروع به نوشتن نام آن احساسات بر کارت‌ها می‌کند و هر هیجان بر روی یک کارت نوشته می‌شود. بعد از این که کارت‌ها آماده شد، آن‌ها را جلوی کودک گذاشته و سپس درمانگر شروع به بیان یک داستان می‌کند که قهرمان داستان، احساسات نوشته شده بر روی کاغذها را تجربه می‌کند و هر بار که یکی از هیجان‌ها مطرح شد ژتونی بر روی کاغذ مرتبط با آن احساس گذاشته می‌شود. بعد از این که درمانگر داستان را تمام می‌کند، ژتون‌ها را از روی کارت‌ها برداشته و پس از این که مطمئن شد کودک مفهوم بازی را متوجه شده است، به کودک می‌گوید "الان نوبت توست که یه داستان برای من تعریف کنی تا با هم احساسات رو پیدا کنیم و برای تو هم ژتون بذاریم. می‌تونی یه داستان برام بگی، مثلا می‌تونی اتفاقاتی که دیروز برات افتاده رو مثل یه قصه برام تعریف کنی. هر جا به احساس رسیدی یه ژتون بردار و روی کارت مخصوصش بذار". هدف این است که کودک احساسات خود را در محیط‌های مختلف، موقعیت‌ها و شرایط مختلف و در برخورد با افراد مختلف شناسایی و بیان کند.

جدول ۱. خلاصه جلسات بازی درمانی

جلسات	محتوا
جلسه اول	معارفه با کودکان و فراهم کردن فضایی امن و صمیمی و صحبت در مورد نحوه بازی
جلسه دوم	معرفی کارت‌های احساسی به کودکان
جلسه سوم	بیان داستانی از سوی مجری طرح و بیان احساسات تجربه شده
جلسه چهارم و پنجم	بیان داستان‌هایی از جانب کودکان در مورد زندگی واقعی و بیان احساسات تجربه شده
جلسه ششم	ترسیم موقعیت‌ها و احساسات ناخوشایند بر روی کاغذ
جلسه هفتم	طنزآلود کردن نقاشی‌های موقعیت و احساسات ناخوشایند
جلسه هشتم	جمع‌بندی و مرور کلی و ایجاد انگیزه در اعضا برای استفاده از مهارت‌های آموخته شده در زندگی

اثربخشی بازی با کلمات احساسی بر مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان ...

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها: جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش آمار توصیفی از محاسبه میانگین و انحراف استاندارد و در بخش آمار استنباطی از روش تجزیه و تحلیل کوواریانس بوسیله نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۴ استفاده شد.

یافته‌ها

گروه نمونه شامل ۲۴ دانش‌آموزان دختر در دامنه سنی ۸-۱۳ سال و با میانگین ۱/۴۶ و انحراف استاندارد ۰/۵۰ بود. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش در دو موقعیت پیش‌آزمون و پس‌آزمون در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. شاخص‌های توصیفی

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار
جنس	۲۴	۱/۴۶	۰/۵۰
سن	۲۴	۹/۷۹	۰/۹۳
پیش‌آزمون	۲۴	۱۶۹	۸/۳۶
مهارت‌های اجتماعی پس‌آزمون	۲۴	۱۷۷	۱۶/۷۱

جهت انجام تحلیل کوواریانس ابتدا پیش‌فرض‌های نرمال بودن به وسیله آزمون کالموگروف-اسمیرنف بررسی و نتایج حاکی از نرمال بودن داده‌ها بود ($P > 0/05$). برای بررسی فرض برابری واریانس‌ها از آزمون لوین استفاده شد و با توجه به عدم سطوح معناداری مشاهده شده ($P > 0/05$)، می‌توان نتیجه گرفت که همگنی واریانس‌ها برقرار می‌باشد. نتایج آزمون تحلیل کوواریانس در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. خلاصه تحلیل کوواریانس نمرات مهارت‌های اجتماعی

شاخص منابع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	مجذورات اتا
مهارت‌های اجتماعی	۲۲۴۴/۶۸	۱	۲۲۴۴/۶۸	۳۷/۳۲*	۰/۶۴
مهارت‌های اجتماعی	۱۲۶۲/۸۷	۲۱	۶۰/۱۳		
مهارت‌های اجتماعی	۷۵۸۶۷۷	۲۴			

* $P < 0/001$

با توجه به داده‌های جدول ۳، مقدار F با درجات آزادی ۱ و ۲۱ در مؤلفه مهارت‌های اجتماعی در سطح $0/001$ معنادار می‌باشد و با توجه به این که میانگین گروه آزمایش در متغیر مهارت‌های اجتماعی در مقایسه با گروه کنترل بهبود را نشان می‌دهد، لذا می‌توان نتیجه گرفت که بازی‌درمانی با کلمات احساسی منجر به بهبود مهارت‌های اجتماعی می‌شود. مقدار t ($0/64$) میزان تأثیر مداخله را نشان می‌دهد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی بازی با کلمات احساسی بر مهارت‌های اجتماعی در دانش‌آموزان با ناتوانی یادگیری انجام شد. نتایج پژوهش نشان داد بازی‌درمانی با کلمات احساسی توانسته است میزان مهارت‌های اجتماعی را بهبود دهد. این نتایج با یافته پژوهش‌های لگوف و شرم، (۲۰۰۶)، اصغری‌نکاح و همکاران (۱۳۹۰)، رشیدی‌ظفر و همکاران (۱۳۹۰)، قرائی و فتح‌آبادی (۱۳۹۲) همسو می‌باشد. دانش‌آموزان ناتوان در یادگیری شاید به دلیل به‌کارگیری الگوی پرخاشگرانه و الگوی کناره‌گیری و همچنین به دلیل فقدان توانایی رمزگشایی علائم غیرکلامی در تعاملات اجتماعی در مقایسه با دانش‌آموزان بهنجار از کمترین امتیاز مثبت در زمینه برقراری روابط اجتماعی برخوردار هستند (سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۰). در تبیین نتایج می‌توان گفت بازی‌درمانی با ایجاد شرایط مناسبی برای دانش‌آموزان در بیان هیجانات و احساسات و شناخت آن‌ها به افراد کمک می‌کند تا با هیجانات خود ارتباط برقرار کرده و در موقعیت‌های اجتماعی به شیوه مناسبی آن‌ها را بروز دهند. این نوع از بازی‌درمانی کودکان را ترغیب می‌کند تا احساسات خود را در قالب کلمات نوشته شده و یا بر اساس تصاویر کشیده شده از هر احساس بر روی کاغذ نشان دهد. کودکان در حین بازی حالت دفاعی خود را برای بیان احساسات از دست می‌دهند و فرصت بیشتری می‌یابند تا احساسات خود را بیان کنند (سهرابی‌شگفتی، ۱۳۹۰). بازی با کلمات احساسی به کودکان اجازه می‌دهد که با احساسات خود با روشی لذت‌بخش و غیرتهدیدکننده ارتباط برقرار کنند (هال و همکاران، ۲۰۰۲). از فواید کنترل و تنظیم هیجانات می‌توان به کنترل سطوح برانگیختگی، افزایش پشتکار، جلوگیری از واکنش مخرب در برابر تحریک، و عملکرد صحیح هنگام فشارها (کافی و همکاران، ۱۳۹۱) و در نتیجه واکنش اجتماعی مناسب اشاره کرد. در این راستا، در این شیوه بازی‌درمانی کارت صورتک‌های احساسی و بیان داستان به کودکان کمک می‌کند که احساسات و هیجانات خود را شناخته و آن‌ها به شیوه‌ای مناسب بیان کنند. داستان‌گویی در تمام فرهنگ‌های بشری به عنوان شیوه‌ای برای ایجاد مفاهیم ساختارهای اجتماعی وجود داشته است. روش بازی با کلمات احساسی باعث تخلیه هیجانات کودکان می‌شود و از آن‌جا که این روش به صورت گروهی انجام می‌شود، باعث افزایش روابط اجتماعی و ابراز مناسب هیجانات نیز در بین کودکان می‌شود. درواقع باید گفت تنظیم هیجانی به وسیله تجربه‌های دنیای اجتماعی، به ویژه تعامل با دوستان، شکل می‌گیرد.

با توجه به این که گرشام و الیوت (۱۹۹۹) ضعف شناخت اجتماعی را در این کودکان مطرح می‌کنند و معتقدند نقص در مهارت‌های اجتماعی به دلیل فقدان تجارب اجتماعی مناسب و کافی است، نه به دلیل مشکلات عصب-شناختی، می‌توان گفت بازی، یادگیری را برای کودکان لذت‌بخش می‌سازد و از این طریق رفتارهای مناسب اجتماعی را می‌شناسند و تمرین می‌کنند. صلاحیت در تعاملات با دیگران به محدوده‌ای از مهارت‌های شناختی، اجتماعی، کلامی و درک رفتار نیاز دارد (دوبلیرز و پیرز، ۲۰۰۲)، بنابراین بازی می‌تواند زمینه این درک را فراهم آورد. کودکان به سمت راه‌حلی درونی حرکت می‌کنند و به این ترتیب قادر می‌شوند که بهتر با مشکلات مقابله یا سازگاری کنند. فرایند بازی همچنین به بچه‌ها اجازه می‌دهد، احتمالات جدیدی را که در واقعیت ممکن نیست در نظر بگیرند، چیزهایی ناآشنا را کشف کنند و درک آن‌ها را درباره تجربه احساسات و شناخت افزایش دهند. عملکرد مهم بازی تغییر آن چیزی است که امکان دارد در واقعیت غیرقابل اداره کردن باشد. به این صورت که موقعیت‌ها از طریق بیان نمادین، قابل اداره می‌شوند و این باعث می‌شود، کودکان فرصتی برای یادگیری مهارت‌ها داشته باشند (لندرت و براتون^۱، ۱۹۹۹؛ به نقل از قدرتی و شفیع‌آبادی، ۱۳۸۹). همچنین با توجه به نظریه کریک و داج (۱۹۹۹) در مورد پردازشگری اطلاعات اجتماعی که عنوان می‌کند برای تحقق تعامل اجتماعی مناسب، محرک‌های اجتماعی باید به درستی رمزگردانی شده و با دیگر اطلاعات مربوط مقایسه و تفسیر شود، می‌توان گفت بازی با کلمات احساسی این فرصت را فراهم کرده، در پردازش و رمزگردانی محرک‌ها مؤثر بوده و موجب تعامل موفقیت‌آمیز با دیگران می‌شود. بازی به کودکان این امکان را می‌دهد که مهارت‌های اجتماعی خود را ارزیابی کرده و رفتارهای اجتماعی جدید بیاموزند و آن‌ها را تمرین کنند. رشد مهارت‌های اجتماعی یکی از مزیت‌های بازی درمانگری گروهی است (محمداسماعیل، ۱۳۸۷ به نقل از رشیدی‌ظفر و همکاران، ۱۳۹۰). با توجه به این که اولین رفتارهای ضداجتماعی در صورت بروز در طول اولین سال‌های دوره ابتدایی برای پسران و دختران به میزان زیادی تداوم دارد (کوت و همکاران، ۲۰۰۱)، توجه فراوان به این دوره سنی به منظور کاهش رفتارهای غیراجتماعی و ارتقاء مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان ضروری می‌نماید. بنابراین، لازم است همراه با رشد در سایر مهارت‌های تحصیلی، به جنبه‌های اجتماعی زندگی و کسب آمادگی‌های لازم برای برقراری رابطه‌ای سالم با دیگران نیز توجه شود.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد بازی‌درمانی با کلمات احساسی می‌تواند به عنوان یکی از روش‌های مناسب در کمک به دانش‌آموزان با ناتوانی یادگیری در بهبود مهارت‌های اجتماعی کارآمد باشد. این نوع از بازی‌درمانی به

^۱ Ladreth & Bratton

افراد در ابراز مناسب هیجان‌ها، شناخت و همچنین کاربرد آن‌ها به شکلی مناسب در ارتباط با افراد مختلف و همسالان یاری می‌رساند. بنابراین، پیشنهاد می‌شود درمانگران کودکان با ناتوانی یادگیری و سایر اختلالات در کنار سایر روش‌ها، از این روش بازی‌درمانی نیز در ارتقاء مهارت‌های اجتماعی کودکان استفاده کنند. از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به تک‌جنسیتی بودن گروه نمونه (دختران) و عدم انجام آزمون پیگیری اشاره کرد. در همین راستا، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعدی به بررسی هر دو جنس و با آزمون پیگیری پرداخته شود.

References

- Agaliotis, L., Kalyva, E. (2008). Nonverbal social interaction skills of children with learning disabilities. *Research in Developmental Disabilities*, 29(1), 1-10.
- American Psychiatric Association. (2013). *Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders* 5 edition, (Dsm-5). New York: American Psychologist.
- Asghari, M. (2015). Investigating the relationship between computer experience, social skills and blind students self-efficacy in the secondary level through Tehran city schools. *Applied Psychological Research Quarterly*, 6(3), 1-18. (Persian).
- AsghariNekah, M., Afrooz, GH. A., Bazargan, A., & ShokoohiYekta, M. (2011). The effect of puppet play therapy intervention on communicative skills of autistic children. *Journal of Fundamentals of Mental Health*, 13(1), 42-57. (Persian).
- Auerbach, J. G., Gross-Tsur, V., Manor, O., & Shalev, R. S. (2008). Emotional and behavioral characteristics over a six year period in youths with persistent and nonpersistent dyscalculia. *Journal of Learning Disabilities*, 41, 263-273.
- Azarnioshan, B., Beh-Pajooh, A., & Ghobary Bonab, B. (2012). The Effectiveness of Cognitive Behavior-based Play Therapy on the Behavioral Problems among Primary Students with Intellectual Disabilities. *Journal of Exceptional Children*, 12(2), 5-16. (Persian).
- Azizi, K. (2014). *Effectiveness of play with feeling words on anxiety in Kermanshah primary school children*. Master's Degree in Psychology, Faculty of Social Sciences, Razi University. (Persian).
- Barzegar, Z. (2013). An Introduction to the Role of Play-Therapy in Children Suffering from Psychological Problems. *Exceptional Education*, 13(2), 35-44. (Persian).
- Bauminger, N., Edelsztein, H. S., & Morash, J. (2005). Social information processing and emotional understanding in children with LD. *Journal of Learning Disabilities*, 38, 45-61.
- Cote, S., Zoccolillo, M., Tremblay, R. E., Nagin, D., & Vitaro, F. (2001). "Predicting girls' conduct disorder in adolescence from childhood trajectories of disruptive

- behaviors". *Journal of the American Academy of Child and Adolescent Psychiatry*, 40, 678-684.
- Crick, N., & Dodge, K. (1999). Reformulation in judgment about children, *Psychological social bulletin*, 115, 74-80.
- Cron, E. A. (2000). The Feeling Word Game: A Tool for Both Teaching and Therapy. *The Family Journal*, 8(4), 402-405.
- De Villiers, J. G., & Pyers, J. E. (2002). Complements to cognition: A longitudinal study of the relationship between complex syntax and false-belief-understanding. *Cognitive Development*, 17, 1037-1060.
- Ganji, M. (2014). *Psychological Pathology Based on DSM5*. Savalan: Tehran. (Persian).
- Gharaee, N., & Fath Abadi, C. (2014). The Effectiveness of Puppet Therapy on Promoting Down Skin Preschool Children's Social Skills. *Applied Psychology*, 7(2), 40-25. (Persian).
- Ghodrati, S., & Shafieabadi, A. A. (2013). Play therapy, techniques and methods. *Growth and Pre-primary Education*, 2 (1), 33-30. (Persian).
- Gilliam, W. S., & Shahar, G. (2006). Preschool and child care expulsion and suspension: Rates and predictors in one state. *Infants and Young Children*, 19(3), 228-245.
- Greesham, F. M., & Elliott, S. N. (1999). The social skills deficit as a primary learning disability. *Journal of Learning Disabilities*, 22, 120-124.
- Hal, T. M., Kaduson, G. H., & Schaefer, C. E. (2002). Fifteen effective play therapy techniques. *Professional Psychology: Research and Practice*, 33(6), 515-522.
- Kafi, M., Zeinali, Sh., Khosro javid, M., & Miahnahri, F. (2013). A comparison of behavioral characteristics and social development in children with and without learning disability. *Journal of Learning Disabilities*, 2(4), 177-185. (Persian).
- Keshmiri, M. (2010). Comparing social skills of students with learning disabilities and normal. *Exceptional Education*, No. 95 and 96, 31-23. (Persian).
- Legoff, D., & Sherman, M. (2006). Long-term outcome of social skills intervention based on interactive LEGO© play. *Journal of autism*, 10 (4): 317-329.
- Linnenbrink, E. A. (2006). Emotion research in education: theoretical and methodological perspectives on the integration of affect, motivation, and cognition. *Educational Psychology Review*, 18, 307-314.
- Maehler, C., & Schuchardt, K. (2016). Working memory in children with specific learning disorders and/or attention deficits, *learning and Individual Differences*, <http://dx.doi.org/10.1016/j.lindif.2016.05.007>
- Merrifield, J. (2010). Meeting the needs of people with a learning disability in the emergency department. *International Emergency Nursing*, in press.

- Nabidoost, A., Borjali, A., & Esteki, M. (2015). The effect of the bilateral training on self-concept and social skills of students with dyslexia. *Journal of Learning Disabilities*, 4(3), 121-127. (Persian).
- Nelson, L. E. (2009). *An observational study of social skills learning within third, fourth and fifth grade*. Indiana University of Pennsylvania.
- Rashidi-Zafar, M., Janbozorgi, M., & Shaghghi, F. (2012). Positive social behavior efficacy of play therapy on progress of pre-school children. *Journal of Behavioral Sciences*, 6(1), 69-77. (Persian).
- Sartin, M. (2009). Book review: Social skills games for children Plummer, D.M: London: Jessica Kingsley. (2008) 176pp. *Journal of Child Language Teaching and Therapy*, 25: 274-276.
- Shalani, B., & Sadeghi, S. (2016). Social skills in children and adolescents: defects, consequences and educational models. 7th International Conference on Psychology and Social Sciences. Tehran, International Razi Conference Center. February 28. (Persian).
- Sideridis, G. D. (2007). International approaches to learning disabilities: More alike or more different. *Learning Disabilities Research & Practice*, 22, 210-215.
- Sohrabi Shegefti, N. (2010). Play Therapy Techniques and Its Implication for Emotional Disturbances and Behavioral Disorders. *Journal Management System*, 1(4), 45-63. (Persian).
- Soleymani, E., Zahed Babolan, A., Farzaneh, J., & Setoudeh, M. B. (2011). A comparison of alexithymia and the social skills in students with and without learning disorders. *Journal of Learning Disabilities*, 1(1), 78-93. (Persian).
- Tsang, W. H., & Lak, C. C. (2008). *Social Skills*. Department of Rehabilitation Sciences, the Hong Kong Polytechnic University Hunghom, Hong Kong.
- Tur-Kaspa, H., & Bryan, T. (1994). Social information-processing skills of students with learning disabilities. *Learn. Disabil. Res. Pract*, 9, 12-23.
- Vakili, S., Afzali, L., & Soleymani, M. (2015). Effectiveness of Perceptual- Motor Skills Training on Reduce Mathematics Disorder's Symptoms. *Applied Psychological Research Quarterly*, 6(2), 197-210. (Persian).
- Weiner, J. (2004). Do peer relationship foster behavioral adjustment in children with learning disabilities? *Learning Disabilities Quarterly*, 27, 21-30.
- Wells, T. L. (2005). *Emotion and culture in a collaborative learning environment for engineers*. Doctoral Dissertation of Philosophy, University of Texas, Austin.
- Welsh, J., & Bierman, k. (2008). Social competence. *Child development*, 61, 9-1.
- Wiener, J., & Schneider, B. H. (2002). A multisource exploration of the friendship Patterns of children with and without learning disabilities. *Journal of Abnormal Child*, 30(2), 127- 141.